



نیم نگاهی به حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» در منابع اهل سنت

یحیی بن معین شخصیت بسیار ممتازی نزد اهل سنت است. وی یکی از رجالیون اهل جرح و تعدیل است که حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» را صحیح برشمرده است.

یحیی بن معین شخصیت بسیار ممتازی نزد اهل سنت است. وی یکی از رجالیون اهل جرح و تعدیل است که حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» را صحیح برشمرده است.

آیت الله محمدجعفر مروجی طیبسی، استاد درس خارج حوزه علمیه قم در یادداشتی که در اختیار ایکننا قرار داد، نوشت: «بیست و یکم ماه مبارک رمضان سالروز شهادت اول مظلوم عالم سید الاوصیاء و امام الاولیاء و المجاهدین و قائد الغرّ المحجلّین امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. یکی از روایات متواتر و صحیح مربوط به آن حضرت حدیث معروف نبی مکرم اسلام است که فرمود: «أنا مدينة العلم و علی بابها». جالب توجه است که این حدیث بر درب حرم مطهر آن حضرت نقش بسته است و چشم هر زائری به آن مزین می شود. صحت حدیث نزد بزرگان اهل سنت

جناب مزی در کتاب تهذیب الکمال جلد ۱۸ صفحه ۷۷ می گوید: فاسم از یحیی بن معین درباره حدیث مدينة العلم پرسید، یحیی گفت: حدیث صحیح است. (تاریخ بغداد جلد ۱۱ صفحه ۴۹)

یحیی بن معین کیست؟

یحیی بن معین شخصیت بسیار ممتازی نزد اهل سنت است. وی یکی از رجالیون اهل جرح و تعدیل است که این حدیث را صحیح شمرده است. ذهبی از وی به امام، شیخ المحدثین و أحد الأعلام تعبیر می کند. (سیر اعلام النبلاء جلد ۱۱ صفحه ۷۳)

نام برخی از صحابه ای که این حدیث را نقل کرده اند:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام ۲. امام حسن مجتبی علیه السلام ۳. امام حسین علیه السلام ۴. عبدالله بن عباس ۵. جابر بن عبدالله انصاری ۶. عبدالله بن مسعود ۷. حذیفة بن یمان ۸. عبدالله بن عمر ۹. انس بن مالک ۱۰. عمر بن العاص

نام برخی از تابعین راوی این حدیث

۱. امام زین العابدین علیه السلام ۲. امام محمد بن باقر علیه السلام ۳. اصیغ بن نباته کوفی ۴. جریر ضبی ۵. حارث بن عبدالله همدانی ۶. سعد بن طریف کوفی ۷. سعید بن جبیر اسدی کوفی شهید ۸. سلمة بن کهیل ۹. سلیمان بن مهران اعمش ۱۰. عاصم بن ضمره سلولی کوفی ۱۱. مجاهد بن جبر مکی ۱۲. عبدالرحمان بن عثمان.

نام منابعی که این حدیث را نقل کرده اند:

۱. تهذیب الکمال حافظ مزی جلد ۱۸ صفحه ۷۷ و جلد ۲۰ صفحه ۴۸۵.

۲. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری جلد ۳ صفحه ۹۸.

۳. سنن الترمزی جلد ۴ صفحه ۶۵۴ و ده ها منبع دیگر از منابع اهل سنت.

نام بزرگانی از اهل سنت که حدیث را ارسال مسلم دانستند:

۱. ابو الیث سمرقندی ۲. گنجی شافعی ۳. نظام الأولیاء هندی ۴. ابوالمجد غزنوی ۵. ابن طلحه شافعی ۶. محی الدین طبری شافعی ۷. سعدالدین فرغانی ۸. ابن صباغ مالکی مذهب ۹. ابن حجر مکی شافعی ۱۰. شاه ولی الله دهلوی. (به کتاب نفحات الازهار جلد ۱۰ صفحه ۴۴ مراجعه کنید)

فقه الحدیث

نکته ای محوری و بسیار دقیق و مهم در این حدیث و معنای آن است. حضرت فرمود: «أنا مدينة العلم و علی بابها» بدون تردید الف و لام در العلم، الف و لام جنس است. یعنی علم مطلق و مطلق علم نزد نبی مکرم اسلام است و راه رسیدن به این علم تنها امیرالمومنین علیه السلام است. حال که آن حضرت، درب شهر علم رسول الله است؛ رسیدن به علوم محمدی، تنها از مسیر امیرالمومنین علی علیه السلام می گذرد و نه شخص دیگری.

بیان مستدلّ ابن جبر درباره حدیث أنا مدینة العلم

مرحوم ابن جبر یکی از بزرگان علمای شیعه امامیه است. وی درباره فقه الحدیث نکته بسیار دقیقی را در کتاب نهج الإیمان صفحه ۳۴۳ و ۳۴۴ بیان می کند. ایشان این طور می فرماید:

این حدیث دلیلی بر عصمت امیرالمومنین است؛ زیرا اگر ایشان معصوم نبود، صدور فعل قبیح از وی جایز بود، و با صدور آن، اقتدا به ایشان قبیح می گردید. در حالیکه رسول خدا ایشان را مقتدا در علوم قرار داده است. آیا می توان پذیرفت که رسول خدا به امر قبیح امر کرده باشد؟ قطعاً محال است، پس ثابت می شود که امیرالمومنین معصوم است.

همچنین این حدیث بر امامت امیرالمومنین بر امت دلالت دارد؛ چرا که ایشان، باب علوم است. مؤید این مطلب این است که امت دچار اختلاف شد و برخی به برخی دیگر مراجعه کردند اما امیرالمومنین علیه السلام از مراجعه به دیگران بی نیاز بود.

این حدیث بر ولایت علی علیه السلام و امامت ایشان دلالت دارد. گرفتن علم و حکمت و ورود به بهشت در زمان حیات ایشان و بعد از وفات ایشان، ممکن نیست مگر به واسطه ایشان، و روایت علم و حکمت جز از طریق ایشان صحیح نیست؛ زیرا خداوند می فرماید: «وأتوا البیوت من ابوابها» (سوره بقره آیه ۱۸۹) و باب، جز علی علیه السلام نیست.

این حدیث همچنین دلالت دارد بر اینکه هر کس از طریقی غیر از علی علیه السلام به برخی از علوم و حکمت های نبوی دست یافته باشد، او عصیانگر است و همچون دزد و سارق است که از دیوار بالا رفته باشد. زیرا دزد و سارق برای رسیدن به مطلوب خودشان، عصیان می کنند و از در وارد نمی شوند.

عبارت حضرت که فرمودند: «فمن اراد العلم فلیأت الباب» به معنای مخیر بودن افراد برای وارد شدن از طریق این در نیست؛ بلکه منظور، وجوب ورود از طریق این درب و تهدید در صورت عصیان است. همان طوری که خداوند می فرماید: «فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» (سوره مبارکه کهف/ آیه ۲۹)

دلیل بر این مطلب آن است که نبی دیگری غیر از محمد صلی الله علیه وآله و سلم در اینجا وجود ندارد یعنی شهر علم و دارالحکمه دیگری موجود نیست تا دیگران مخیر باشند که علم را از او و یا از غیر او دریافت کنند. فقدان نبی دیگر، دلیل بر الزام و وجوب مراجعه به امیرالمومنین علی علیه السلام است.»